

# رفتن به یک چایخانه



✎ Espen Stranger-Johannessen

👤 Aakane

🗨 Shir Ahmad Laiwal

📊 2

💬 دری

بوران و دخترش برای قدم زدن بیرون هستند.



آنه به يك چيځنه مي آيند و داخل آن مي شوند.



خدمتگر در چيخنه به آنها ميز را نشان مي دهد.



بوران فرھیش یک قھوہ را می دھد.



دخترش فرھیش یک نوشابه سودا می دهد.



خدمتگر فرهنگش هی آنها را میبرد.



او در یک گلاس سودا می اندازد.



او سودا را می نوشد.



بوران در قهوه خودش شکر می اندازد.



او قهوه ايش را شيرين مي کند.



او آن را می نوشد.



بوران حساب بل را می خواهد.



او به خدمتگر پول می دهد.



بوران و دخترش از چینه بیرون می شویند.






## LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

رفتن به یک چایخانه

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

